

واقع گرایی منفعت محور

توشه سفر ترامپ به کشور های خلیج فارس



آرام حسن‌زاد

پژوهشگر روابط بین‌الملل

سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر در هفته گذشته نقطه عطفی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به شمار می‌رود و نشان دهنده تغییر عمیق در چشم‌انداز سیاسی نوظهور این منطقه است. این سفر که نخستین سفر خارجی او در دور دوم ریاست جمهوری اش محسوب می‌شود، با هدف جلب سرمایه‌گذاری‌های کلان و انعقاد قراردادهای دفاعی انجام شد و هم‌زمان رویکردهای جدیدی برای حل بحران‌های دیرینه در سوریه، غزه و یمن مطرح کرد؛ رویکردی که بر پایه واقع‌گرایی بنا شده و در آن نفوذ و منافع معامله‌محور به‌عنوان مسیرهایی برای دستیابی به ثبات در نظر گرفته می‌شود، نه تغییر رژیم.

این سفر برای ایالات متحده دستاوردهای بزرگی به همراه داشت: بیش از ۳/۲ تریلیون دلار تعهد سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس، از جمله یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای تاریخ در حوزه هوانوردی غیرنظامی با قطر، توسعه پایگاه هوایی الغدید و تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس. دولت ترامپ بر رویکردی مبتنی بر معامله تأکید داشت که بر مهار ایران، اجرای آتش‌بس‌ها و تعامل با بازیگران نوظهور منطقه‌ای، حتی چهره‌های بحث‌برانگیز، مانند رهبری جدید سوریه به ریاست احمدالشرع، تمرکز داشت.

عربستان سعودی به‌عنوان قدرت محوری جهان عرب ظاهر شد و نقش اصلی را در برگزاری دیدار تاریخی میان ترامپ و احمدالشرع ایفا کرد؛ دیداری که در نهایت به لغو تحریم‌های واشنگتن علیه سوریه انجامید. ریاض همچنین موفق شد قراردادهای بی‌سابقه اقتصادی و دفاعی به دست آورد و از روند کاهش تنش در یمن استقبال کرد؛ روندی که با هدف این کشور برای پایان دادن به جنگی طولانی‌مدت هم‌راستا بود. پادشاهی عربستان با بهره‌گیری از کاهش نفوذ ایران، خود را به‌عنوان محرک اصلی نظم جدید منطقه‌ای معرفی کرد.

امارات متحده عربی جایگاه خود را به‌عنوان یک قطب فناوری و مالی تقویت کرد و متعهد به سرمایه‌گذاری ۱/۴ تریلیون دلاری در ایالات متحده شد. این کشور همچنین از کاهش محدودیت‌های صادراتی بر فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی بهره‌مند گردید. ابوظبی ضمن حمایت از دستورکار منطقه‌ای واشنگتن، تلاش کرد تصویری از خود به‌عنوان نمادی از تسامح و نوسازی به نمایش بگذارد. قطر نیز از این سفر برای تثبیت نقش خود به‌عنوان یک متحد راهبردی بهره گرفت. این کشور نقشی کلیدی در تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس در غزه و میانجی‌گری در موضوع گروگان‌ها ایفا کرد، قرارداد عظیمی با شرکت بوئینگ در حوزه هوانوردی امضا نمود و پایگاه هوایی الغدید را نوسازی کرد. در عرصه سیاسی، قطر با حفظ استقلال خود و در عین هم‌راستایی با اجماع گسترده‌تر کشورهای خلیج فارس، به‌عنوان میانجی قابل اعتماد میان تمامی طرف‌ها ظاهر شد.

در عرصه مسائل منطقه‌ای، سوریه به کانون توجه تبدیل شد. دیدار غیرمنتظره میان ترامپ و احمدالشرع نقطه عطفی به شمار

آمد؛ ایالات متحده اعلام کرد که تحریم‌ها علیه دمشق را لغو می‌کند و این اقدام نشانه‌ای از پایان دوران اسد تلقی شد. الشرع که پیش‌تر یک چهره نظامی بود و اکنون به رهبری سیاسی بدل شده، متعهد شد نیروهای خارجی را از کشور خارج کند، سوریه را متحد سازد و مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل را در پیش گیرد. این حمایت علنی آمریکا، که با پشتیبانی عربستان سعودی و ترکیه انجام شد، پرونده سوریه را بازتعریف کرد و معادلات سنتی را دچار تزلزل کرد. در غزه، هیچ دستاورد سیاسی مشخصی حاصل نشد. تمرکز اصلی بر آتش‌بس انسانی، تبادل آسرا و تلاش‌های بازسازی بود که عمدتاً توسط قطر و مصر هدایت می‌شد. پیشنهادهای جنجالی ترامپ برای «اسکان مجدد» جمعیت غزه در کشورهای ثروتمند عربی با مخالفت قاطع کشورهای حوزه خلیج فارس مواجه شد. این کشورها به‌جای آن، بر بازسازی غزه در چارچوب نظارت تشکیلات خودگردان فلسطینی تأکید کردند، هرچند چشم‌انداز سیاسی روشنی برای آینده ارائه نکردند.

پرونده ایران نشان‌دهنده تلاشی برای حفظ توازن بود. ترامپ در ظاهر بر ادامه و تشدید تحریم‌ها تأکید کرد، اما در پشت پرده از طریق عمان، کانال‌های دیپلماتیک برای مذاکره درباره توافق هسته‌ای احتمالی باز شد. در یمن نیز نوعی آتش‌بس غیررسمی برقرار شد: آمریکا حملات هوایی علیه حوثی‌ها را متوقف کرد و در مقابل، آن‌ها نیز حملات خود در دریای سرخ را پایان دادند. این رویکرد مشترک در قبال ایران و یمن نشان می‌داد که دو طرف مایل‌اند از درگیری گسترده پرهیز کنند، بدون آنکه از مواضع استراتژیک خود عقب‌نشینی کنند.

در همین حال، این سفر روند شکل‌گیری یک نظم جدید منطقه‌ای را سرعت بخشید؛ نظامی که بر پایه همکاری میان عربستان سعودی، امارات، قطر و ترکیه و با حمایت آمریکا شکل می‌گیرد. این ائتلاف جدید نه‌تنها ایران را به حاشیه رانده، بلکه، به شکلی غیرمنتظره، اسرائیل را نیز از معادلات کنار گذاشته است. غیبت اسرائیل از تمامی نشست‌ها و گفت‌وگوهای ترامپ با پایتخت‌های عربی بدون هماهنگی با نخست‌وزیر تانیا‌هو، پیام روشنی داشت: منافع آمریکا در منطقه دیگر به‌طور کامل با خواسته‌های اسرائیل گره نخورده‌اند.

در مقابل، با وجود آنکه تهران از طریق کانال‌های غیررسمی وارد مذاکرات دیپلماتیک شده، همچنان تحت فشار است تا در سیاست‌های هسته‌ای و منطقه‌ای خود انعطاف نشان دهد، بدون آنکه تاکنون تضمینی درباره لغو تحریم‌ها دریافت کرده باشد.

سفر ترامپ به کشورهای حوزه خلیج فارس دستاوردهای اقتصادی و دیپلماتیک فوری به همراه داشت، اما نتوانست ریشه‌های بحران‌های عمیق منطقه را حل کند. شاید سوریه با رهبری احمدالشرع وارد مسیر جدیدی شده باشد و در یمن آتش‌بسی شکنده برقرار باشد، اما درگیری اسرائیل و فلسطین همچنان در بن‌بست سیاسی باقی مانده است. آنچه اکنون نمایان شده، معماری جدیدی از خاورمیانه است که با قدرت‌نمایی کشورهای خلیج فارس، بازچینی اتحادها و سیاست‌معامله‌محور آمریکا شکل گرفته است. با این حال، پرسش بزرگ‌تر همچنان باقی است: آیا این ترتیبات جدید می‌توانند پایه‌ای برای صلحی پایدار باشند، یا صرفاً تلاشی پیچیده برای مدیریت بحران‌های موجود محسوب می‌شوند؟

ابتکار عمان چیست؟

بررسی دور پنجم گفت‌وگوهای ایران و آمریکا زیر سایه اختلافات



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

عمان به‌عنوان کشور میانجی و تسهیل‌گر مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، نقش مهمی در حفظ روند دیپلماتیک ایجادشده میان دو طرف دارد. با توجه به شرایطی که طی حدود دو هفته گذشته بر سر موضوع غنی‌سازی میان دو طرف به وجود آمده بود، دور پنجم گفت‌وگوها زیر سایه این وضعیت برگزار شد؛ گفت‌وگوهایی که رسانه‌ها احتمال می‌دادند اگر این شرایط بخواهد ادامه پیدا کند، می‌تواند آخرین جلسه مذاکرات ایران و آمریکا باشد. اما این مذاکرات شکست نخورد و ادامه پیدا خواهد کرد. علت اصلی آن را هم می‌توان روی میز گذاشتن ابتکارات جدید از سوی طرف عمانی دانست.

ایران و آمریکا در روزهای گذشته، به صورت جدی روی خط قرمزهای خود پافشاری کردند و ایستادند. استیو ویتکاف، مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی در اظهاراتی گفت توافق با ایران برای آن‌ها از جایی شروع می‌شود که غنی‌سازی صفر باشد. در این سوی میز، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان نیز به صراحت خط قرمز جمهوری اسلامی را بار دیگر ترسیم کرد و گفت در صورتی که موضع طرف آمریکایی غنی‌سازی صفر باشد، توافقی وجود نخواهد داشت. در صورتی که طرف آمریکایی موضعش عدم وجود سلاح هسته‌ای باشد اما توافق میان دو طرف وجود دارد. او همچنین پیش از این نیز گفته بود غنی‌سازی با توافق یا بدون توافق ادامه پیدا خواهد کرد. به این دلیل می‌گوییم احتمالاً ابتکارات طرف عمانی باعث ادامه مذاکرات شده است چون که دو طرف با همین خطوط قرمز پای مذاکره غیرمستقیم درم رفتند. اما خروجی آن تبدیل شده به این اظهارنظر که ابتکارات طرف عمانی در پایتخت‌ها بررسی خواهد شد و گفت‌وگوها نیز احتمالاً ادامه پیدا خواهد کرد.

با توجه به اینکه اختلاف اصلی ایران و آمریکا موضوع غنی‌سازی است، ابتکارات عمان نیز باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم به همین موضوع مربوط باشد؛ ابتکاراتی که با توجه به اهمیت موضوع برای هر دو طرف، می‌تواند به راه‌حلی میانه ختم شود یا مسیر جدیدی برای بررسی موارد اختلافی میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا ترسیم کند؛ در صورتی که مورد تأیید دو پایتخت قرار بگیرد.

▼ عمان مذاکرات را به حرکت درآورد

کوروش احمدی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر ارشد سیاست خارجی درباره تأثیر ابتکار عمان بر ادامه مذاکرات به هم‌میهن گفت: «از صحبت‌های آقای عراقچی و توثیت آقای بدرالبوسعیدی، وزیر خارجه عمان می‌توان این‌طور



برداشت کرد که مسئله غنی‌سازی همچنان محل اصلی اختلاف است اما ایده و ابتکاراتی مطرح شده که تحرکی در گفت‌وگوها به وجود آورده است. ایده‌هایی که قرار شد در پایتخت‌ها مورد بررسی قرار بگیرد و طبیعتاً به اطلاع مقامات ارشد برسد و کسب تکلیف صورت بگیرد. این ایده‌ها احتمالاً چیزی بوده که دو طرف به این نتیجه رسیدند آن‌ها را در پایتخت‌های خود بررسی کنند و ببینند که آیا می‌توان روی آن‌ها کار کرد یا نه. بر همین اساس هم قرار شد که مذاکرات ادامه پیدا کند و نظرات منفی از سوی دو طرف درگیر مذاکرات شنیده نشد. بنابراین می‌توان گفت ابتکارات عمان مثبت بوده است.»

او درباره اینکه ابتکارات عمان ممکن است شامل چه مواردی باشد، اظهار داشت: «از جنبه‌های مختلفی می‌توان این موضوع را مد نظر قرار داد. مثلاً یک موضوع این است که دو طرف بر خط قرمز خود در مورد غنی‌سازی اصرار جدید دارند. پس این احتمال وجود دارد که بخشی از ابتکارات مربوط به موضوع غنی‌سازی باشند و طرفین بتوانند یک حد وسط برای مسئله غنی‌سازی پیدا کنند. مثلاً یک ایده می‌تواند این باشد که ایران غنی‌سازی را برای مدتی - مثلاً شش ماه تا یک سال - تعلیق و تاسیسات و توانایی خود را حفظ کند. حفظ تاسیسات غنی‌سازی در کنار رفع بعضی تحریم‌ها، امتیازی می‌شود که طرف آمریکایی ارائه می‌دهد. این ایده می‌تواند مفید باشد. از یک طرف موقت است و از طرف دیگر زمان و فضایی برای اعتمادسازی به دو طرف می‌دهد. بالاخره کشورهای عضو آن پی‌تی‌ان حق را دارند که برنامه غنی‌سازی داشته باشند.»

او ادامه داد: «یک ایده دیگر می‌تواند این باشد که ایران و آمریکا اعلام کنند نهایت خواسته‌هایشان چیست. اگر آمریکا توقف غنی‌سازی در ایران را می‌خواهد، چه چیزی حاضر است در ازای آن بدهد. اگر آمریکا در ازای توقف غنی‌سازی تحریم‌های اولیه و ثانویه ایران را بردارد، پیشنهادی است که ایران می‌تواند آن را بررسی کند. چون برداشته‌شدن تحریم‌های اولیه و ثانویه گشایش بزرگی برای ایران ایجاد می‌کند، با توجه به اینکه موضوع غنی‌سازی در حال حاضر سخت‌ترین مسئله میان ایران و آمریکا است، یک ایده دیگر می‌تواند این باشد مسئله غنی‌سازی تبدیل به آخرین موضوع مذاکرات شود. یعنی طیف گسترده‌ای از مسائل میان ایران و آمریکا مثل بندهای غروب، راستی آزمایی، بازرسی‌ها، اختلافات ایران و آژانس در مذاکرات بررسی شود و توافق بر آن‌ها صورت بگیرد، سپس دو طرف به موضوع غنی‌سازی بپردازند.»

احمدی ادامه داد: «توافق موقت هم می‌تواند یک ایده دیگر باشد که فضا را تا حدی تلطیف کند. مثلاً بر اساس این توافق موقت، ایران غنی‌سازی ۶۰ درصد را متوقف کند یا میزان ذخایر ۶۰ درصد خود را کاهش دهد. یا ذخایر ۲۰ درصد خود را کاهش دهد و غنی‌سازی را در این سطح متوقف کند. در ازای آن نیز آمریکا امتیازاتی بدهد، دارایی‌های ایران را آزاد کند یا بخشی از تحریم‌ها را بردارد. این توافق موقت نیز به دو طرف فرصت کار برای یکدیگر را می‌دهد که بتوانند اعتمادی حداقل به وجود بیاورند. در این صورت، مذاکرات شکست نخورده است. اعلام شکستی صورت نمی‌گیرد.»



بررسی تعیین سقفی برای صدای زنان در مجلس و مخالفت دولت با آن:

زندان برای ۱۴سکه به جای ۱۱۰سکه

در توانش است یا میل دارد آن تعداد را تعیین کند، می‌گوید: بحث ما در خصوص حبس است. وی تأکید کرد: «اگر مرد تمکن مالی داشته باشد، دارایی او توقیف می‌شود، اما اگر تمکن مالی نداشت فقط تا ۱۴ سکه حبس و زندان دارد. لذا هیچ اتفاقی در تعیین سقف مهریه نیفتاده و فقط حبس مهریه برداشته شده و فقط تا ۱۴ سکه می‌تواند به حبس برود و مابقی آن بر گردن مرد است و باید پرداخت کند و اگر اموالی داشته باشد توقیف می‌شود. بحث دیگر اینکه شاید برخی‌ها فرار از دین کنند، یعنی بروند اموالشان را بلافاصله به نام کسی دیگر کنند تا اموالشان توقیف نشود که در اینجا پیش‌بینی شده بعد از اینکه ازدواج صورت می‌گیرد اگر کوچک‌ترین نقل و انتقال در دارایی مرد بیفتد برایش تعیین تکلیف شده، در صورتی که الان این‌طور نیست چون باید حکم محکومیت صادر شود تا اگر دارایی را انتقال داده بود برایش کیفر در نظر گرفته شود، اما در این قانون پیش‌بینی شده که به محض ازدواج اگر کوچک‌ترین اتفاقی بیفتد یک مجازاتی در نظر گرفته می‌شود لذا این طرح به نفع خانم‌هاست.»

اوافزود: «کنک بعدی ماده ۷ این قانون است که می‌توان گفت یک پکیج کامل حمایتی از بانوان ما است. چون حق طلاق با مرد است زن نمی‌تواند طلاق بگیرد، اما اگر زن مایل به ادامه زندگی نبود یا بخشدین مهریه حق طلاق برای زن حاکم می‌شود لذا متأسفانه بحث‌های حمایتی این طرح برای بانوان کمتر توضیح داده شده در صورتی که این طرح به نفع بانوان کشورمان است و تأکید می‌کنم که هیچ سقفی برای مهریه تعیین نشده است. شاید این طرح به خوبی تبیین نشده، من شاید یکی از موافقان این مورد بودم، شاید به خوبی این گزارش و طرح در مواد قوانینی که برای بحث مهریه گذاشته شده تبیین نشده است.»

از این اظهارنظرها می‌توان اینطور برداشت کرد که زنان برای گرفتن حقوق ابتدایی خود باید مهریه به خود را ببخشند. آنها برای گرفتن طلاق یا خروج از کشور باید از مهریه خود بگذرند.

▼ علت مخالفت دولت

دولت چهاردهم اما با این محدودیت مخالفت کرد. زهرا بهروزآذر،

گروه خبر: با هم تصمیمی بحث‌برانگیز از سوی مجلس اتخاذ شده است؛ تصمیمی که برخی از نمایندگان زن در مجلس هم با آن همراهی کرده‌اند. تا چندی پیش مهریه حق زن بود؛ اما برخی از نمایندگان مجلس مانند الهام آزاد، عضو فراسیون زنان و خانواده مجلس بر این عقیده‌اند که «مهریه هدیه مرد است به زن.» هدیه نوعی «هبه» است؛ درحالی‌که طبق شرع زمان عقد حتماً باید مهریه‌ای برای زن تعیین شود. حالاً که برخی از نمایندگان مهریه را حق زن نمی‌دانند؛ به خود اجازه داده‌اند که برای اجرای آن سقف هم تعیین کنند. البته نمایندگان موافق با کاهش ضمانات اجرایی پرداخت مهریه، بر این باورند که سقفی برای مهریه تعیین نمی‌کنند؛ بلکه برای زندان رفتن مردان ۱۱۰ سکه را به ۱۴ سکه کاهش می‌دهند. قرار بود مهریه پشتوانه‌ای مالی باشد برای زنان. بدین ترتیب، فعالان حوزه زنان نگران هستند از اینکه زنانی که حال پا به پای مردان در زندگی کار می‌کنند و زحمت می‌کشند تا زندگی روزمره پیش برود، از پشتوانه مالی کمتری برخوردار باشند و هر روز حقوق‌شان کمتر از قبل شود.

▼ کاهش سقف مهریه مشمول ضمانت

عثمان سالاری، دبیر کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، درباره جزئیات این طرح گفت: «طبق اصلاح صورت گرفته، سقف مهریه مشمول ضمانت اجرای قانونی از ۱۱۰ سکه به ۱۴ سکه کاهش یافته تا از زندانی شدن زوج‌هایی که توان پرداخت ندارند جلوگیری شود. حتی در صورت ناتوانی در پرداخت همین ۱۴ سکه و رد شدن اقسا، دیگر فرد به زندان نخواهد رفت و مشمول استفاده از پابند الکترونیک می‌شود.» او با اشاره به اصلاحات مربوط به حق حبس زوج‌ه، تأکید کرد: «در صورت پذیرش اقسا را با آغاز پرداخت اقساط مهریه، حق حبس ساقط می‌شود و زوج‌ه نمی‌تواند از این حق برای عدم تمکین استفاده کند.»

▼ بحث‌های حمایتی طرح دیده شد

الهام آزاد، عضو فراسیون زنان و خانواده نیز با اشاره به اینکه هیچ سقفی برای مهریه تعیین نشده است و هرکس مختار است هر تعداد سکه‌ای که

برنامه‌ریزی برای گسترش صنایع دریایی در خر مشهر

وزیر دفاع عنوان کرد:

گروه خبر: وزیر دفاع، در مراسم الحاق ۱۳ شناور جدید به ناوگان

سازمان بنادر و دریانوردی، از برنامه‌های این وزارتخانه برای توسعه صنایع دریایی، به‌ویژه در منطقه خرمشهر، خبر داد. به گزارش ایسنا، در این مراسم که روز شنبه ۳ خردادماه با حضور مقامات ارشد کشوری برگزار شد، ۱۳ شناور شامل چهار فروند یک‌کش و ۹ فروند شناور جستجو و نجات، که توسط صنایع دریایی وزارت دفاع طراحی و ساخته شده‌اند، به‌بهره‌برداری رسید.

امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع تصریح کرد: چهار فروند از این شناورها در خرمشهر تولید شده‌اند که نشان‌دهنده ظرفیت بالای این منطقه در صنعت کشتی‌سازی است.

وزیر دفاع با اشاره به برنامه‌های آتی، از آغاز ساخت ۹ شناور دیگر خبر داد و اظهار کرد: این پروژه‌ها با سرعت بالا به مرحله بهره‌برداری خواهند رسید. وی گسترش فرهنگ دریانوردی و جذب نیروهای جوان در این صنعت را از اولویت‌های وزارت دفاع برشمرد و گفت: با توسعه فعالیت‌های دریایی، می‌توانیم فرصت‌های شغلی ارزشمندی برای جوانان ایجاد کرده و گام مهمی در کاهش بیکاری برداریم. نصیرزاده در پایان

با اشاره به دستاوردهای خودکفایی در صنایع دریایی کشور، از پیشرفت‌های چشمگیر در ساخت تجهیزات دریایی از سطح زیرآب تا شناورهای سطحی خبر داد و این موفقیت را گامی بلند در راستای استقلال صنعتی و اقتصادی کشور دانست.

